روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

یکشنبه • ۱۲ بهمن ۱۳۹۹ • ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ • ۳۱ ژانویه ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۳۹۲۹ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۷:۵۰
اذان صبح فردا ۵:۳۸ • طلوع آفتاب ۷:۰۴

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

یخ‌زدن آبشار گنج‌نامه همدان فرصتی برای ورزش یخ‌نوردی فراهم کرده است تا ورزشکاران این رشته به تمرینات خود بپردازند. عکس: ایمان حامی‌خواه، مهر

اتفاق

چهارمین دوره جایزه و نشان ابوالحسن نجفی برگزار شد

استاد پترزبورگ و علی‌اصغر حداد

شرق: مراسم چهارمین دوره جایزه و نشان ابوالحسن نجفی روز سه‌شنبه هفتم بهمن در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد و محمدرضا ترک‌تتاری به خاطر ترجمه رمان «استاد پترزبورگ» اثر جی. ام. کوتسی، عنوان مترجم سال را از آن خود کرد. این جایزه که هر سال به بهترین ترجمه رمان یا مجموعه داستان کوتاه سال تعلق می‌گیرد، یک سال بعد از غیاب ابوالحسن نجفی، مترجم، زبان‌شناس و ادیبِ مطرح، با هدف یاد و بزرگداشتِ این مترجم از سال ۱۳۹۵ توسط مؤسسه شهر کتاب راه‌اندازی شد. هیئت داوران این دوره از جایزه که برخی از آنها از یاران نجفی بوده‌اند از این قرارند: ضیاء موحد، حسین معصومی‌همدانی، مهستی بحرینی، عبدالله کوثری، موسی اسوار، ابوالفضل حری و آبتین گلکار. در این دوره همچنین از یک مترجم مطرح قدردانی شد و جایزه ویژه نجفی به پاس کارنامه پربرگ‌وبار در عرصه ترجمه به علی‌اصغر حداد تعلق گرفت. علی‌اصغر محمدخانی، معاون فرهنگی شهر کتاب، با اشاره به اینکه بخش بزرگی از مخاطبان ما مخاطب ادبیات جهان‌اند گفت شمار زیاد این آثار نقد و بررسی درون‌مایه و کیفیت ترجمه آنها را ضروری می‌کند. او همچنین اشاره کرد که جایزه ابوالحسن نجفی در سه سال گذشته بر این اساس پایه‌گذاری شد که مترجمان جوان و توانا به جامعه فرهنگی و کتاب‌خوان معرفی شوند و خوشبختانه در این سه دوره در این امر موفق بود.

زیر آسمان جهان

رتبه چهارم از آخر

● **دیلی‌میل:** چند روز پیش بود که مؤسسه استرالیایی Lowey اسامی بهترین و بدترین کشورها را در زمینه مبارزه علیه کروناویروس در جهان اعلام کرد.

این مؤسسه به کشورهای نیوزیلند، ویتنام، تایوان و تایلند بهترین امتیاز مدیریت بحران کرونا را داد که توانسته‌اند کمترین میزان مرگ‌ومیر را داشته باشند. طبق این ارزیابی نیوزیلند با ۲۵ فوتی و دوهزارو ۲۹۵ فرد مبتلا بهترین مدیریت را داشته است. اما بدترین کشورها نیز به ترتیب برزیل (رتبه ۹۹ آخرین رتبه)، مکزیک (رتبه ۹۷ دومی از آخر)، کلمبیا (رتبه ۹۶ و سومی از آخر)، ایران (رتبه ۹۵ و چهارمی از آخر) و آمریکا (رتبه ۹۴ و پنجمی از آخر) بوده‌اند که بیشترین مرگ‌ومیر را نسبت به جمعیت داشته‌اند. در این تحقیق معلوم شد اقتصاد پیشرفته یا سیستم سیاسی به کشورها مزیتی برای مبارزه نمی‌دهد. به گفته محققان این مؤسسه، کشورهایی که جمعیت کمتری داشته و در نتیجه جوامع منسجم‌تر و نهادهای توانمند دارند، مزیت نسبی برای مقابله با بحران همه‌گیری مانند کرونا دارند. اما نظرسنجی دیگری نیز اعلام شده، آن هم در زمینه شفافیت اقتصادی! سازمان شفافیت بین‌الملل در تازه‌ترین گزارش سالانه خود که روز پنجشنبه ۹ بهمن منتشر شد، می‌گوید ایران در میان ۱۸۰ کشور از لحاظ گستردگی فساد مالی، در جایگاه ۱۴۹ قرار گرفته است. سال ۲۰۱۷ شاخص فساد در ایران ۱۳۰ بود و سال ۲۰۱۸ به ۱۳۸ و سال ۲۰۱۹ به ۱۴۶ رسیده بود. اکنون دوباره ایران از لحاظ شفافیت بدتر شده و به رتبه ۱۴۹ رسیده است. در میان کشورهای همسایه ایران و منطقه وضعیت ترکمنستان، عراق، افغانستان، سوریه و یمن بدتر از ایران است. آنچه آمارهای این نهاد بین‌المللی نشان می‌دهد، به غیر از کشورهای یادشده، در سطح جهانی نیز چندین کشور آفریقایی، ونزوئلا و کره شمالی وضعیت بدتری از ایران دارند. ایران از لحاظ گستردگی فساد مالی هم‌تراز با لبنان، گواتمالا، کامرون، تاجیکستان، ماداگاسکار، موزامبیک و نیجریه قرار گرفته است. از لحاظ رده‌بندی شاخص فساد، این نهاد بین‌المللی به کشورها امتیازی از صفر تا صد می‌دهد و هرچه امتیاز بالاتر باشد، کشور از لحاظ شفافیت وضعیت بهتری دارد. امتیاز ایران ۲۶ است و نسبت به سال گذشته یک پله سقوط کرده است.

تلنگر

در جست‌وجوی شادی

سیدحسن موسوی‌چلک
رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

چند روز قبل داشتم اخبار رئیس‌جمهور را پیگیری می‌کردم و در اخبار هم صحبت‌هایش را می‌شنیدم. در اکثر صحبت‌هایش طوری حرف می‌زند که انگار در ایران زندگی نمی‌کند. اگر ایشان را نشناسیم یا چشم‌مان را هم ببندیم وقتی خوب به حرف‌هایش گوش می‌دهیم، فکر می‌کنیم این انسان و مدیر توانمند -که ما نمی‌شناسیم - اگر رئیس‌جمهور ما باشد، کشورمان گلستان می‌شود. رشد بالای اقتصادی و آرامش مردم و چهره بشاش و شاداب مردم، البته از پشت شیشه دودی ماشین رئیس‌جمهور (در حالی که طبق آمارهای ارائه‌شده توسط مسئولان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بین ۲۳ تا ۲۵ درصد مردم حداقل یک اختلال روانی دارند) و... که از زبان ایشان می‌شنویم برخی از مؤلفه‌هایی هستند که می‌تواند نشان از کارآمدی یک دولت باشد. ولی چشم‌مان را که باز کنیم متوجه می‌شویم که ای بابا کجایی؟ ایشان رئیس‌جمهور خودمان هستند که دو دوره این مسئولیت خطیر یعنی نفر دوم کشور را بر عهده دارد و مسئول اجرای قانون اساسی کشور هم هستند که در اصل بیست‌ونهم آن بر تأمین رفاه و تأمین اجتماعی برای همه مردم مکلف شده است. وقتی اکثر ما به زندگی خودمان نگاه می‌کنیم می‌بینیم که کمرمان زیر بار فشار اقتصادی خم شده که هیچ، دارد می‌شکند اما رئیس‌جمهور ما از خداوند به خاطر داشتن مردم شاداب در این شرایط سپاسگزاری می‌کند.

آقای رئیس‌جمهور! آیا وجود این همه کارتن‌خواب، بی‌خانمان، سارقان خرد و... همه از روی شکم‌سیری و شادابی است؟ با کمی تأمل، نه اصلا تأمل نمی‌خواهد، به راحتی متوجه می‌شوم که واقعیت‌های جامعه با حرف‌های شما چقدر فاصله دارند. به همین دلیل وقتی با چشم بسته به صحبت‌های فردی گوش می‌کنم که انگار مدینه فاضله را برای مردم کشورش ایجاد کرده بود، آرزو می‌کردم آن مدیر موفق، رئیس‌جمهور ما باشد ولی حیف...

آقای رئیس‌جمهور!!

نمی‌دانم چطور به این وضعیت بسیار خوب کشور به خود می‌بالید که برای تخم‌مرغ، نه خود مرغ، معاون اول شما جلسه می‌گذارد و در نهایت به این قیمت باورنکردنی می‌رسد. حتی تأمین پوشک بچه همه را نگران کرده است و... گرچه دیگر سِر (بی‌تفاوت) شده‌ایم و شما هم خوب متوجه شده‌اید. این همه منابع بالفعل و بالقوه داریم باز هم فوت بی‌خانمان‌ها در خیابان‌ها را شاهد هستیم.

آقای رئیس‌جمهور چرا متوجه نمی‌شوید جیب بسیاری از مردم خالی است. این را ما مددکاران اجتماعی که از نزدیک با فقر دست‌وپنجه نرم می‌کنیم با گوشت و پوست‌مان لمس می‌کنیم و می‌بینیم فقر چه بلایی بر سر خانواده‌ها آورده است.

آقای رئیس‌جمهور این مردم آن‌طور که شما از پشت شیشه خودروی‌تان می‌بینید شاد نیستند. البته شاید شیشه خودروی شما به گونه‌ای است که چهره عبوس را شاد نشان می‌دهد. خواهشی که دارم این است که حداقل از حال خوب مردم و رضایت از زندگی و شادابی مردم به هیچ‌کس گزارش ندهید تا داغ دلمان را تازه‌تر نکنید. همین و بس. هیچ چیز دیگری از شما نمی‌خواهیم.

مغز اجتماعی - ۱۵۰

خودکشی، امری اجتماعی

عبدالرحمن نجل‌رحیم
مغزپژوه

براساس نظریات امیل دورکیم (۱۸۹۷)، خودکشی در همه اشکال آن ریشه در مسائل اجتماعی دارد و به همین علت در همه اجتماعات خودکشی وجود دارد. او معتقد است که مسائلی مانند فقر، آسیب روانی، عشق نافرجام، موضوعات وراثتی، آب‌وهوایی و مسائل شخصی دیگر، عامل اولیه خودکشی نیستند. به نظر دورکیم برای خودکشی نمی‌توان علل روان‌شناختی مشخصی ارائه داد؛ بلکه خودکشی ناشی از اختلال در ساختار اجتماعی است. خودکشی زمانی اتفاق می‌افتد که پیوند اجتماعی وجود ندارد، فرد تنها و از جامعه گسسته است.

در این بافتار، دورکیم چهار نوع خودکشی را مطرح می‌کند:

۱) خودکشی خودخواهانه، که فرد احساس می‌کند هیچ‌گونه تعلق اجتماعی ندارد و کاملا بریده از پیرامون خود است، فردی خودمحور است که چاره‌ای جز خودکشی ندارد.

۲) خودکشی فداکارانه: در این خودکشی که به خاطر جمع و دیگری صورت می‌گیرد، فرد بسیار خود را از نظر عاطفی وابسته و شریک با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند می‌یابد و خود را فدای دیگران می‌کند و گاه نیز قهرمان جمع می‌شود.

۳) خودکشی انومیک (ناشی از بی‌سامانی)، وقتی که قانون نیست و بی‌نظمی اجتماعی حاکم و معنایی برای زندگی وجود ندارد و انسان به قهرمان اسطوره‌ای یونان، سیزیف شبیه است که کاری عبث را باید تکرار کند؛ یعنی بردن تخته‌سنگ بالای کوه و درغلتیدن آن به پایین و تکرار و ادامه این تلاش بی‌حاصل و بی‌معنا. (افسانه سیزیف ـ آلبر کامو ۱۹۵۲). ۴) خودکشی تقدیری یا جبری (فاتالیستیگ) که تحت قوانین متصلب و سخت‌گیرانه و اقتدارگرای اجتماعی اتفاق می‌افتد. مثل خودکشی بردگان در جامعه برده‌داری و خودکشی زنان در جامعه مردسالار سخت‌گیر. آنچه امیل دورکیم در نظریه خودکشی خود می‌گوید، حتما تمامی پیچیدگی‌های خودکشی را شامل نمی‌شود، زیرا مسائل انسانی را نمی‌شود به مسائل بیولوژیک، روانی و اجتماعی- فرهنگی تقسیم کرد و آنها را در یک دیسیپلین خاص به طور جداگانه مورد بررسی دقیق قرار داد. این شقه‌کردن‌های مصنوعی رشته‌ها، دقت و صحت مطالعه همه‌جانبه علمی را زیر سؤال می‌برد. امروزه با پیشرفت علم متوجه شده‌ایم که بررسی سلسله‌مراتبی (زیستی ـ روانی ـ اجتماعی ـ فرهنگی و تاریخی) امور بشری واقعیات بسیاری را از نظر پنهان و در تاریکی غفلت شعوری قرار می‌دهد. به همین دلیل ما در آینده در صورتی می‌توانیم پدیده پیچیده‌ای چون خودکشی را درک کنیم که بتوانیم به درهم‌بافتگی هم‌زمان و هماهنگ زیست، ذهن، بدن، جامعه، فرهنگ و تاریخ از نقطه صفر زندگی تا انتهای آن در زمان مرگ اشراف داشته باشیم. به همین دلیل است که تاکنون هیچ نظریه‌ای هر چقدر جدید وجود ندارد که توانسته باشد برای تمامی ابعاد مسئله خودکشی و چرایی آن پاسخی قانع‌کننده داشته باشد. امید به مؤثر واقع‌شدن این تلاش، زمینه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متفاوتی می‌طلبد. در روزگار پهن‌شدن گستره نظریه هابزی انسان گرگ انسان و استیلای اصل سودجویی فردی حریصانه برای تجمع ثروت، نمی‌شود چندان امیدی به پژوهش‌های این‌چنینی داشت.

امروزه توضیح و پیش‌بینی خودکشی سخت دشوار است. با وجود آنکه تلاش شد تا خودکشی علامتی یا سندرمی وابسته به بیماری‌های روانی در نظر گرفته شود و راه‌های درمان، پیشگیری و کاهش ریسک بروز برای آن پیدا شود، این امر چندان با موفقیت همراه نبوده است. اگرچه واردشدن موضوع خودکشی در فهرست بیماری‌های روانی تا حدی از انگ روسیاهی و بار گناه، تقصیر ایمانی و مذمت اجتماعی مرتکبان خودکشی کاست. اما بسیاری از پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که شاید برای خودکشی باید پرونده جداگانه‌ای باز کرد و آن را به طور مستقل مورد مطالعه قرار داد. واقعیت این است که خودکشی بدون زمینه بیماری‌های روانی نیز می‌تواند اتفاق بیفتد. آنچه در مرتکبان به خودکشی مشترک است، وجود درد عمیق عاطفی است (سلبی و همکاران ۲۰۱۴). روان‌پزشکی مانند شیدمن (۱۹۹۹) علت خودکشی را نوعی روان‌دردی مثل سردرد مزمن می‌داند. رنج شدید و غیرقابل تحمل عاطفی- هیجانی شدیدی که کسی جز خود فرد را یارای فهم و درک آن نیست و تنها راه نجات از این درد و رنج طاقت‌فرسا و ذله‌کننده پایان‌دادن هرچه سریع‌تر به زندگی است. شاید تنها راه کمک به کسانی که در حال مهیاکردن مقدمات خودکشی هستند، فهم شرایط احساسات هیجانی- عاطفی‌شان است که توضیح کلامی آن بسیار مشکل و گاه ناممکن است و این مهم باعث می‌شود که فرد در حال خودکشی چاره کار را در تماس با دیگری و کمک‌خواهی نداند و رهایی را در خودکشی تصور کند.

امروز می‌دانیم که سیناپس‌های مغز ما محل تلاقی تاریخ طبیعی تکاملی فشرده‌شده در ژنوم با شرایط زیست، شامل محیط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی است. در تعیین سرنوشت ما از بدو آغازین لحظات زندگی، شرایط زیست، برنامه‌ریزی‌های بیولوژیکی را هدایت می‌کند و با دخالت اپی ژنتیکی محیط زیست، سرنوشت ما رقم می‌خورد. مغزی که در طول این تجربیات ساخته می‌شود و قوام می‌گیرد، صاحب اعمال قصدمند و با اراده می‌شود و ردپای تاریخی خود را در فعالیت خلاقانه انسانی به جا می‌گذارد.

پژوهش‌های جدید در مغزپژوهی نشان می‌دهد که مغز کسانی که خودکشی می‌کنند، چه دچار بیماری‌های اعصاب چون افسردگی باشند و چه به یأس فلسفی رسیده باشند و چه هیچ زمینه دیگری برای بروز نداشته باشند، تفاوت‌هایی در کارشان ممکن است وجود داشته باشد. این تفاوت در کجاست؟ بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد مناطق عمیق میانی جلویی مغز شامل مدارهای هیجانی عاطفی، هم درد جسمانی را کنترل می‌کنند و هم در تولید و تنظیم درد و رنج ناشی از مسائل اجتماعی شرکت دارند. اختلال کارکردی خاص این مناطق به هر دلیلی می‌تواند موجب بروز تمایل به خودکشی شود، زیرا باعث رنج و درد عاطفی شدید، عمیق و غیر قابل التیامی می‌شود که عامل طردشدگی و به انزوا کشانده‌شدن فرد می‌شود. بر اساس این یافته‌های ابتدایی می‌توان با نظر دورکیم در کل موافق بود که خودکشی امری اجتماعی است. ولی نه به این معنا که با کار بدن و مغز بیولوژیک - اجتماعی تولیدکننده روان، کاری ندارد. بلکه خودکشی به این اعتبار، اجتماعی است که ریشه در دردهای ایجادشده در مغز و بدن اجتماعی انسان دارد. بدیهی است که بررسی این پدیده‌های پیچیده به پژوهش‌های بینارشته‌ای گسترده‌ای در آینده نیاز دارد.

دیدگاه

تأملی بر اثربخشی نوآوری‌ها در جوامع محلی

عادل سلیمانی . پژوهشگر

بازیگران اصلی زیست‌بوم فناوری و نوآوری برخی از خروجی‌های دانش‌بنیان خود را در انتهای زنجیره به جوامع محلی ارائه می‌دهند. دراین‌میان رصد، مطالعه و واکاوی فرایند و مراحل پذیرش یا نپذیرفتن نوآوری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه ذی‌نفعان واکنش‌های متفاوتی در مواجهه با نوآوری‌ها نشان می‌دهند.

نوآوران جسور، نخستین پذیرندگان معتبر و اکثریت زودپذیر دوراندیش در تقابل با اکثریت کندپذیر شکاک و دیرپذیران سنتی دو سر طیف فرجام داستان پذیرش نوآوری را تشکیل می‌دهند و تسهیلگران یا مأموران تغییر در این زیست‌بوم نوآوری کنشگری‌های خود را در فرایند تصمیم نوآوری در مراحل دانش، ترغیب، تصمیم و هم‌نوایی به صورت همگن و ناهمگن اعمال می‌کنند. دراین‌میان سنجش اثربخشی نوآوری‌ها در جوامع محلی مستلزم آن است که خدمت، کالا یا محصول نوآورانه در جوامع محلی در کوتاه‌ترین زمان نشر یافته و با آهنگ پذیرش مطلوب مورد استفاده و بهره‌برداری کارآمد قرار گیرند. در واقع کندی نشر و پیگیری‌نکردن ماهیت، کمیت و کیفیت پذیرش نوآوری و پیامدهای آن میزان اثربخشی تلاش‌های تمام عناصر و اجزای اکوسیستم نوآوری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و این نبود بازخورد موجب اتلاف منابع و اختلال در چرخه و کارکرد نوآوری می‌شود. آسیب‌شناسی و چاره‌اندیشی برای کُندپذیران یا دیرپذیران و مقاومت‌کنندگان یا رهاکنندگان پذیرش نوآوری‌ها، نیازمند دیده‌بانی مشخص در زیست‌بوم نوآوری است تا سرنوشت زنجیره تلاش‌های نوآورانه همه بازیگران، در نهایت به استفاده بهینه و اثربخش نوآوری در جوامع محلی منجر شود. رفع ابهام در این منظومه و به‌ویژه در ارزیابی اثربخشی و رصد آهنگ پذیرش طیف وسیع نوآوری‌های احصاشده از مراکز تحقیقاتی، شرکت‌های دانش‌بنیان، دانشگاه‌ها، مراکز و کارخانه‌های نوآوری و... نیازمند تعامل و کنشگری پژوهشگران حوزه علوم ارتباطات و نشر نوآوری است که می‌تواند در قالب مؤسسه یا نهادی مرکزی در ساختار و بدنه زیست‌بوم فناوری و نوآوری با شرح وظایف شفاف، تعریف شود تا این مهم را به صورت مستمر پیگیری و پیامدسنجی کند و در نهایت اثربخشی کارکرد نوآوری‌ها با پذیرش و استفاده واقعی از آنها در عرصه عمل مضاعف شود.

طنز

معجزه پاییز پایان قرن

علی‌محمد بیدارمغز

● هفته قبل «نهاد آمار» اخباری منتشر کرد که تعجب‌آور بود. البته ما اصولا نسبت به آمار این نهادها حساسیت چندانی نداریم و این اخبار را در ردیف انتشار آمار معمول ماهانه آن سازمان‌ها می‌دانیم. اما این بار خبر آمد که در سه‌ماهه پاییز تعداد بی‌کاران ۱.۴ درصد کاهش یافته است. تعجب‌آور از این لحاظ که در همه دنیا حتی در چین آمار بی‌کاران در حال افزایش است. چطور در اینجا آمار کاهش داشته است. به هر ترتیبی بود شماره تلفن نهاد را گرفتم و صدای ضبط‌شده شنیده شد: «وقت بخیر! به نهاد آمار خوش آمدید. برای اطلاع از آمار رانندگان برگشتی از شمال کلید ۱، تعداد رانندگان جریمه‌شده از شهرهای قرمز به زرد و بالعکس کلید ۲، آمار نهنگ‌های مرده سواحل کیش کلید ۳، آمار چشم‌گشودگان لبخندبرلب کلید ۴، آمار قربانیان ک. الف. کلید ۵، آمار هزینه‌های روزانه آرایش مکرون کلید ۶، آمار تعداد دور شنای صبحگاهی پوتین کلید ۷، آمار اشغالگران کنگره کلید ۸، سرعت بادهای روزانه در زحل کلید ۹، تعداد نیروگاه‌های مازوت‌سوز کلید ۰. دوباره سخنگو روی خط آمد و گفت: برای تکرار منو کلید مربع را فشار دهید. به امید آنکه با اپراتوری حرف بزنم و کمک بگیرم، دکمه مربع را زدم. اتفاق عجیبی افتاد. موضوعات در همین فاصله عوض شده بود: برای آمار کودکان کار غیرایرانی کلید ۱، میزان مصرف آب روزانه مقامات کلید ۲، میزان کمک‌های امیر هرت به بنگاه‌های خیریه کلید ۳، تعداد توییت‌های ارسال‌نشده ترامپ کلید ۴، آمار کفش‌های استفاده‌نشده ترزا می کلید ۵، آمار روزهای هوای پاک پاییز کلید ۶، تعداد ماینرهای چینی در رفسنجان کلید ۷، میزان سیب‌زمینی‌های زیر خاک مانده کلید ۸، تعداد تمساح‌های دریاچه چیتگر کلید ۹، تعداد دلالان پیش‌فروش اتومبیل‌های داخلی کلید ۰. برای تکرار منو کلید مربع را فشار دهید. چند بار تلاش فایده‌ای نداشت و هر بار منو عوض می‌شد. شال و پالتو کردم و پرسان‌پرسان، لرزان‌لرزان رفتم درِ نهادشان. نگهبان پرسید: فرمایش! می‌خواستم با مسئول آمار بی‌کاران دیدار کنم. گفت خبرنگار-مبرنگار که نیستی؟ گفتم: نه ژورنالیست آزاد هستم. پرسید لیست چی؟ حقوق مقوق کارانه-مارانه هم تو لیست هست؟ گفتم ممکن است. گفت: «برو طبقه پنجم اتاق شماره ۵۰۱. راستی به آقای دکتر بگو تو «لیست» حقوق این ماه، کارانه ما را زیاد کند. نان و پنیر و تخم‌مرغ و گوجه گران شده. «رفتم طبقه پنجم اتاق ۵۰۱ در زدم. کسی گفت بفرمایید! سلام کردم و وارد شدم. او هم گفت فرمایش؟ گفتم آمده‌ام درباره کاهش آمار بی‌کاران تحقیق کنم. گفت از کمیسیون آمده‌ای؟ /- نه ژورنالیست آزاد هستم.

-خیالم راحت شد. خب؟!

-آمار داده‌اید که بی‌کاران در سه‌ماهه امسال کاهش یافته است. آمدم تحقیق کنم.

-برای جایی کار می‌کنی؟ دوتابعیتی هستی؟ اینترناش، انگلیس، وی ا

- نه ایرانی ایرانی/آرام شد. تعارف کرد بنشینم. یک چای سفارش داد و گفت: - فقط بین من و تو باشد، به شرطی که جایی درز نکند. بله، در سه ماه سوم آمار بی‌کاران ما پایین آمد. خود ما هم تعجب کردیم. یک گروه کاری تشکیل دادیم تا صحت و سقم آن را بررسی کنیم. چند عامل را تأثیرگذار یافتیم. اولا تعداد زیادی زندانی بی‌کار به دلیل کرونا و سیاست خالی‌کردن زندان‌ها آزاد شدند. الان اغلب آنها یا تنهایی یا در قالب تیم‌ورک مشغول فعالیت هستند. بعضی‌ها هم پروازی کار می‌کنند که علاوه به خودشان و مالخران، سیستم حمل‌ونقل را هم وسعت داده‌اند. این گروه از فهرست بی‌کاران خارج شده‌اند.- این کار حرام است. دزدی هم شد شغل؟

- ما دنبال حلال و حرام نیستیم. این وظیفه ما نیست. / -دیگر چی؟

-تعداد سه هزار دکتر و چند هزار پرستار هم مهاجرت کرده‌اند. خیلی از آنها بی‌کار بودند. عده‌ای هم به دلیل زمینه‌ای و بی زمینه‌ای از دنیا رفته‌اند که تعدادی از آنها هم بی‌کار بوده‌اند و از آمار کم شده.

-سرعت بادهای زحل چی؟

-سؤال خوبی بود. ما فقط هزاره سوم را مد نظر نداریم. ما برای ۱۰ هزار سال برنامه‌ریزی کرده‌ایم و اما دو هفته قبل سرعت بادهای سطح زحل به ۵۲۳۱ کیلومتر رسید. بر اثر سرعت زیاد چند صخره عظیم حاوی متان از زحل جدا شد و یک قمر جدید در اطراف زحل درست کرد. اگر در این قمر هم مثل قمر اروپا مقداری آب پیدا شود، بشر خواهد توانست در هزاره چهل‌وپنجم به زحل مهاجرت کند.

-این مهاجرت چه تأثیری بر کار نهاد شما دارد؟

-بسته به تعداد مهاجران، تعداد بی‌کاران کره زمین کم خواهد شد و بر میزان بی‌کاران ما هم اثر خواهد کرد. یک ایرانی دارد به مریخ می‌رود، حتما تا آن زمان تعداد زیادی ایرانی بی‌کار به زحل خواهند رفت.

- چرا منوی تلفن شما مرتب تغییر می‌کند؟

-ناسلامتی ما نهاد آماری هستیم. باید بهنگام و به دقیقه باشیم. ایرادی دارد؟

- نه، نه! ولی چرا آمار شما با آن یکی نهاد فرق می‌کند؟

-اگر آمار ما یکی باشد که یا ما را می‌بندند یا آنها را. شما که انتظار ندارید با بستن یکی از ما آمار بی‌کاران بالا رود؟

طرف آن‌گاه بادی به گلو انداخت و گفت: تمام تلاش ما برای آن است که آمار ما بهنگام باشد تا مجریان امور بهتر بتوانند برای کاهش بی‌کاری و توسعه کسب و کار برنامه‌ریزی کنند. خداحافظی کردم و به خیابان زدم. نگهبان دنبالم آمد و پرسید لیست کارانه رو درست کرد؟